




Peter Csonka

پتر سونکا

ترجمه

دکتر محمد علی اردبیلی

مجازات اعدام از دیدگاه حقوق بشر



پترسونکا Peter Csonka از مدیران شورای اروپا است. مقاله او در مجموعه مقاله‌های «مجازات اعدام در آستانه هزاره سوم» از انتشارات اِراس به سال ۱۹۹۳ میلادی به چاپ رسیده است. ترجمه این مقاله به منزله تأیید تمام نظریات نویسنده نیست.

۱. مقدمه: مجازات اعدام در حقوق بین الملل

مجازات اعدام که در قرون وسطا امتیاز حکمرانان و ابزار کیفری و سیاست جنایی کشورها در طول قرن‌ها به شمار می‌آمد و حاکمیت ملی آن را در برابر جامعه بین المللی در انحصار خود داشت و نیز مقررات مشهور بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد متعرض آن شده بود، اخیراً موضوع حقوق بین الملل عمومی درآمده و از قید اصل کهن «عدم مداخله در امور دولتها» رهایی یافته است. این تغییر مدیون دگرگونی‌هایی بود که حقوق بین الملل پس از جنگ جهانی دوم به دلیل ظهور چشمگیر حقوق بشر می‌بایست به خود می‌شناخت. حقوقی که برای نخستین بار در تاریخ حقوق بین الملل که به طور سنتی بر روابط بین دولتها مبتنی بود، با بخشیدن اختیار تعقیب و حتی متهم کردن دولتها فرد را تا سطح موضوعهای بین المللی برکشید. این اتهام قصور در تضمین حقوقی است که «نه از مسیر وضع قانونی ناپایدار به او منسوب شده باشد، بلکه ذاتی به مثابه شخص انسان است».

1. Sudre F., La convention européenne des droits de l'homme, PUF, 1990. p. 11.

در بین این حقوق، حق حیات با توجه به اینکه شرط لازم "sine qua non" سایر حقوق اساسی و جزء مجموعه حقوق آمره "jus cogens" در حقوق بین الملل به شمار می رود مقام والایی دارد. و از این حیث که مخاطب عام (erga omnes) دارد نمی توان از آن حتی در زمان جنگ علی الاصول تخطی کرد. لیکن در واقع چنین نیست. حق حیات به هر تفسیر مطلق نیست. زیرا محدودیت و نیز استثنائات نابگاهی چون محکومیت و اجرای قانونی مجازات اعدام آن را مقید کرده است.

اجباراً ملاحظه می شود که علی رغم گرایش بین المللی که به نفع الغای مجازات اعدام در سطح جهانی و منطقه ای گسترش یافته، این مجازات به موجب حقوق بین الملل ناظر بر حقوق بشر عموماً منع نشده است. و «نمی توان امیدوار بود که پروتکل های منطقه ای در کنار هم بتوانند به الغای جهانی بینجامد، زیرا از یک سو همه کره زمین با میثاقهای منطقه ای حقوق بشر پوشیده نیست. و از سوی دیگر مجازات اعدام اغلب در ذهنیت های بعضی منطقه ها بسیار رسوخ یافته است».^۱ مجازات اعدام در بیش از نیمی از نظامهای حقوقی جهان (صد کشور و سرزمین) اجرا می شود و استقرار آن دور از فرض و گمان عملی شایع است.^۲

ولی حق حیات در بین حقوق بشر تنها حقی نیست که با مجازات اعدام تأثیر پذیرفته باشد. حق مصون بودن از مجازاتهای ظالمانه، خلاف انسانی و موهن نیز که حقی اساسی است با این مجازات خدشه یافته است. در مقیاس اروپایی، موضع گیری قاطع هرچند بسیار ایراد پذیری را از این حیث شاهد بودیم. بدین صورت که در ۱۹۸۹ دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده سورین علیه انگلستان،^۳ پذیرفت که اوضاع و احوال مقارن اجرای

2. Breillat D., l'abolition de la peine de mort. A propos du 2e protocole facultatif se rapportant au pacte international relatif aux droits civils et politiques visant à la peine de mort, in *Revue de Science Criminelle et de Droit pénal Comparé*. 1991, p. 262.

3. Amnesty International. *La peine de mort dans le monde*, Les Editions d'Amnesty International, Paris, 1989, pp. 94-95.

4. Soering C. *Royoume - Uni*

مجازات اعدام، نه خود مجازات اعدام، بخصوصی انتظار «همراه با اضطراب دائم و فزاینده ناشی از اجرای مجازات اعدام» در «سراسری مرگ» در ایالات متحده ممکن است نقض تحریم مجازاتها و رفتارهای خلاف انسانی یا موهن به شمار آید. به این موضوع باز خواهیم گشت.

مجازات اعدام مسأله‌ای عقیدتی و مهمی در حقوق بین‌الملل حقوق بشر هم نیست. بیش از همه، این موضوع اغلب بحثی بیشتر اخلاقی و سیاسی بین الناگران و اخلاق‌گروان برمی‌انگیزد تا بحثی حقوقی که در آن بر سودمندی، مشروعیت، قساوت و... آن پیوسته تکیه می‌شود. هدف از این نوشتار موضع‌گیری در این بحث نیست، بلکه به ارائه نظری کوتاه بر مقررات خاص، ناظر بر مجازات اعدام در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر غیر از نصوص حقوق بشر دوستانه بسنده خواهیم کرد.

۲. مجازات اعدام در نصوص باگستره جهانی

ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید تأکید می‌کند که: «هرکس حق حیات، آزادی و امنیت شخصی دارد». در همین مضمون حق حیات بود که مسأله مجازات اعدام به هنگام کارهای مقدماتی اعلامیه به بحث درآمد. نظریه اقلیت به این دلیل که می‌خواستند مجازات اعدام همین و بس نقض حق حیات اعلام شود با موافقت همگان روبه‌رو نشد و در نتیجه متن نهایی به این مجازات اشاره نکرد آن قدر که برای نویسندگان اعلامیه بدیهی (۲) می‌نمود که این امر با حق حیات تناقضی ندارد»^۵.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ ترجمان بخشی از اصول مندرج در اعلامیه جهانی به صورت تکالیف حقوقی و نخستین تلاش برای محدود کردن اجرای مجازات اعدام به شمار آمد. در ماده ۶ این میثاق آمده است: «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود، هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از زندگی

5. Breillat, op. cit., p. 267.

محروم کرد».

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، نهادی که متشکل از ۱۸ کارشناس فردی و منتخب دولتهای متعاقد برای نظارت بر اجرای میثاق است چندین بار اظهار کرده است که مجازات اعدام فی نفسه با بند نخست ماده ۶ مغایر نیست. بویژه به دلیل یک رشته محدودیتهایی که برای اجرای آن در بندهای ۲ تا ۵ ماده مذکور تصریح شده است. در نتیجه، با اینکه دولتهای متعاقد به موجب ماده ۶ ملتزم به الغای مجازات اعدام نیستند، ولی باید اجرای آن را محدود کنند.

میثاق مذکور، هیچ شکی نسبت به تحول مطلوب درباره این موضوع باقی نمی گذارد؛ اصطلاحات آن به گفته پروفیسور بریا^۶ گویا است. دومین بند این ماده چنین آغاز می شود: «در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است...» این مفهوم به نظر کمیته دلالت می کند بر اینکه لغو مجازات «مطلوب» است و «دلیل پیشرفت در جهت تمتع از حق زندگی»^۷ محسوب می گردد. این موضع الغاگری بار دیگر در بند ۶ ماده ۶ تقویت شده است، بدین مضمون: «هیچ یک از مقررات این ماده برای تأخیر یا منع الغاء مجازات اعدام از طرف هریک از کشورهای طرف این میثاق قابل استناد نیست». در بین محدودیتهای اجرای مجازات اعدام قیود ماهیتی و صوری هر دو به چشم می خورد.

میثاق نخست صراحت دارد بر اینکه این مجازات جایز نیست «مگر در مورد مهمترین جنایات» بدین گونه خواسته است ماهیت جرایم مستلزم مجازات اعدام را محدود کند. مضمون مبهم مفاد این حکم کمیته را بر آن داشت تا براین نکته تأکید کند که اهمیت جرم از یک کشور به کشور دیگر متغیر است ولی حکم مذکور را باید به گونه ای تفسیر کرد که مجازات اعدام کیفیت «یک اقدام کاملاً استثنایی» پیدا کند. شورای اقتصادی و اجتماعی (ecosoc) سازمان ملل متحد که برطبق ماده ۶۲ منشور

6. Breillat. op. cit., p. 266.

7. Report of the human rights committee, GAOR, 37 th session, supplement n° 40, appendix V, general comment 6 (16), par. 6.

سازمان ملل صلاحیت «توصیه به منظور تأمین احترام واقعی حقوق بشر و آزادیهای اساسی همگان» را دارد، در ۱۹۸۴ متنی را درباره ضمانتهایی برای حفظ حقوق اشخاصی که به اعدام محکوم شده اند تصویب کرد.^۸ این متن که اساساً هدف آن مقابله با اعدامهای سریع خودسرانه و نه تفسیر مقررات میثاق است تصریح می کند که از عبارت «مهمترین جنایات»، باید «جنایات عمدی که آثاری زیانبار یا دارای آثار بی اندازه مهم دیگر» را فهمید.

قیود ماهیتی دیگر اجرای مجازات اعدام در سطح اصول کلاسیک حقوق کیفری قرار می گیرد. اصل قانون بودن جرایم و مجازاتها یا هیچ جرم و کیفری بدون قانون وجود ندارد مقدم است. جرم مستحق مجازات اعدام باید مشمول قانونی باشد که برای آن عمل در زمان وقوع، مجازات اعدام تعیین کرده باشد. این حکم بیان مختصر اصل عطف بمسابق نشدن قانون کیفری که اجرای مجازات اعدام را به موجب قانون متأخر منع می کند نیز هست. این اصل کیفری به طور عام در ماده ۱۵ میثاق گنجانده شده است.

علاوه بر آن، صدور حکم مجازات اعدام نباید یا مقررات میثاق و مقاله نامه درباره پیشگیری و مجازات کشتار جمعی منافات داشته باشد. راجع به مقررات میثاق، مفهوم آن این است که مجازات اعدام در صورتی که کشور متعاهد یکی از تعهدات خود ناشی از میثاق را نقض کرده باشد نباید به اجرا درآید.

براین اساس، در قضایایی که به نظر کمیته، کشور متعاهد حق دادرسی منصفانه را که ماده ۱۴ تضمین کرده، نقض کرده باشد باید نتیجه گرفت که صدور حکم محکومیت به مجازات اعدام ناقض ماده ۶ است. ارجاع به مقررات ماده ۶ میثاق اثری مضاعف دارد. نخست، تمام تضمینهایی که ممکن است در حفظ حقوق اشخاص در معرض مجازات

8. Résolution ecosoc 1984/50 du 25 mai 1984, appendix, par. 1.

اعدام اعمال گردد، مانند واجبات یک دادرسی منصفانه (به نظر کمیته^{۱۰} در این زمینه، دادرسی شامل «تضمینهای رسیدگی، متضمن حق برخورداری از جلسه ای منصفانه در دادگاهی مستقل و بر مبنای اصل براءت، کمترین حق دفاع از خود و حق تجدید نظر خواهی در دادگاهی عالی» همچنین، حق محکوم نشدن به اعدام برای عقاید، مذهب و تعلق داشتن به یک گروه اقلیت که نمونه آن را در «پاکسازی قومی» در بوسنی هرزگوین می توان دید و تمام حقوق ناشی از هریک از مقررات میثاق خواهد بود) در آن نمود یافته، بدون آنکه تصریح شده باشد و علاوه بر آن موقعیت حقوق نسبتاً تخلف ناپذیری در پرتو ماده ۴ پیدا کرده است. به عبارت دیگر، این حقوق تقریباً به هنگام «خطر عمومی استثنایی» حفظ شده است.

دوم، اگر هم بیشتر حقوقی که میثاق آنها را تضمین کرده در این اوضاع و احوال قابل تعلیق باشد،^{۱۱} این امر در مورد ماده ۶ صادق نیست. هیچ تخلفی از آن جایز نیست و می توان بر مبنای ممنوعیت، درباره مغایرت مجازات اعدام با مقررات میثاق استدلال کرد که این ممنوعیت دست کم مانع از اعدام اشخاصی است که در پی یک دادرسی غیر منصفانه محکوم به مرگ شده اند. ولی، در ضمن مانع از جرم شناختن اعمالی است که اجرای حقوق مورد حمایت میثاق قلمداد می گردد و به هنگام خطر عمومی استثنایی بالقوه قابل مجازات تلقی شده اند (برای مثال، آزادی اجتماعات)

راجع به مقابله نامه درباره پیشگیری و مجازات کشتار جمعی، مجازات اعدام نباید به موجب بند ۲ ماده ۶ میثاق با مقررات آن منافات داشته باشد. این ممنوعیت به موجب بند ۳ باری دیگر تحکیم شده است. این بند مقرر می دارد که کشورهای طرف این میثاق مجاز نیستند از

9. Affaire n° 232/ 1987 (Daniel Pinto c. Trinidad et Tobago)

۱۰. به موجب بند ۱، ماده ۴: «هرگاه یک خطر عمومی استثنایی موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام بشود، کشورهای طرف این میثاق می توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب می کند، اتخاذ نمایند، مشروط بر اینکه تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بین الملل به عهده دازند مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصر بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان و اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود.

مقاوله نامه درباره کشتار جمعی به موجب مقررات ماده ۶ هنگامی که سلب حیات تشکیل دهنده جرم کشتار جمعی است تخلف ورزند. این مقررات، چنین می نماید که خواسته است از هرگونه تفسیر مفرط مبنی بر قبول مجازات اعدام به موجب میثاق و به ویژه بهره برداری از میثاق به بهانه مشروعیت بخشیدن به اعدام جمعی ملیس^{۱۱} (کیفر اعدام قانونی) که مقاوله نامه درباره کشتار جمعی آن را جرم شناخته است اجتناب کند.

این تضمینهای اصلی قانونی بودن که در سطح ملی و بین المللی خواسته شده با تضمینهای شکلی کامل گردیده است. استناد به هریک از مقررات میثاق شاید کافی باشد، ولی با آنکه «پیوستگی میان مقررات مربوط به دادرسی منصفانه و مجازات اعدام بار دیگر در جریان مباحثات نحوه انشاء میثاق برقرار شده بود» توافق عمومی برای پیش بینی جداگانه مقررات مربوط به یک دادرسی منصفانه که در ماده ۱۴ سرانجام گنجانده شد، «تضمینهای مناسب برای آنکه مجازات اعدام ظالمانه و از روی هوا و هوس و بی اعتنای به حقوق بشر اجرا نشود» به دست آمد. تضمینهای شکلی که در ماده ۶ پیش بینی شده عبارت است از: الف) مجازات اعدام ممکن نیست اجرا گردد مگر به موجب حکم قطعی صادر از دادگاه صالح؛ ب) محکوم به اعدام حق دارد که درخواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید؛ ج) عفو عمومی، یا عفو فردی یا تخفیف مجازات در تمام موارد ممکن است اعطا گردد.

چنانکه پیشتر گفته شد، کمیته حقوق بشر به تضمینهای مصرح در ماده ۶ باز هم مواردی افزوده است. از جمله حق: الف) دادخواهی در یک دادگاه صالح، مستقل و بی طرف و رسیدگی منصفانه و علنی؛ ب) بی گناه شناخته شدن تا زمانی که تقصیر او قانوناً محرز شود؛ ج) داشتن تضمینهای اقل دفاع: اطلاع در اسرع وقت و به تفصیل درباره نوع و دلایل اتهام، وقت کافی برای تهیه دفاع و اختیار ارتباط با وکیل و حضور او به جای متهم در دادرسی، توقع محاکمه بدون تأخیر طولانی؛ د) داشتن امکان رسیدگی اعلام مجرمیت و محکومیت در یک دادگاه عالی تر پس از

محکومیت. کمیته بارها اعلام کرده است که نادیده گرفتن تضمینهای اساسی مندرج در ماده ۱۴ در یک دادرسی منتهی به محکومیت به اعدام نقض ماده ۶ محسوب می شود. چنانکه در قضیه مونگویامبئز علیه زئیر،^{۱۱} کمیته نقض این ماده را به دلیل آنکه حاکم سابق ایالت شابا دوبار در دادگاه زئیر غیاباً به مرگ محکوم گردید بدون آنکه از اتهامهای علیه خود پیش از آن مطلع شده باشد اعلام کرد. می توان نتیجه گیری کرد که تضمینهای یک دادرسی عادلانه در قضایای مربوط به مجازات اعدام جزء «هسته سخت» میثاق تلقی می شود و احترام بدون قید و شرط آن را از طرف کشورهای متعاقد حتی به هنگام خطر عمومی استثنایی خواسته است. مقررات ناظر بر عفو و تخفیف محکومیت به اعدام در ماده ۶ گنجانده شد «زیرا به نظر مهم آمده که در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است تخفیف پیدا کند» و حتی جمله دوم مناسبت هرگونه کوششی از جمله عفو عمومی را برای پرهیز از اجرای قطعی حکم القا می کند. البته نمی توان گفت که جمله «حق درخواست عفو...» به معنی حق قانونی و اجباری عفو شدن است. لیکن، دست کم محکوم به اعدام حق دارد که درخواست عفو یا تخفیف مجازات او با دقت و حسن نیت بررسی شود. بازتاب این مقررات در کردار کشورها همچنان قابل ملاحظه است. برطبق گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد به اکوسوک در ۱۹۸۰، «تقریباً تمام کشورهایایی که مجازات اعدام را در قوانین خود حفظ کرده اند مقرراتی دارند که به محکومان به اعدام اجازه می دهد که بررسی مجدد پرونده خود را برای تجدید نظر درخواست کنند و ... می توان در بعض کشورها به برکت تخفیف مجازات، درصد کاهش اجرای محکومیت را که نشان از گرایش بالقوه در جهت الغای عملی (de facto) مجازات اعدام است مشاهده

11. Monguya Mbenge et al. c. Zaire, Affaire n° 16/1977, Report of the Human Rights Committee, GAOR, 38 th Session, Supplément N° 40, Appendix .

کرد». «و سرانجام، پس از شروط ماهیتی و شکلی، میثاق محدودیت‌هایی که به شخص محکوم علیه باز می‌گردد قرار داده است. از جمله ممنوعیت «صدور» حکم اعدام در مورد اشخاص کمتر از هیجده سال و «اجرای» حکم در مورد زنان باردار. از لحن متفاوت میثاق درباره این دو گروه از اشخاص چنین برداشت می‌شود که اعدام زنان باردار، به موجب تفسیری مضیق پس از وضع حمل ممکن است (حفظ حیات انسان بی‌گناه واجب‌الانسان دوستانه است)، حال آنکه این حکم در مورد اشخاص کمتر از هیجده سال به هیچ وجه قابل اعتنا نیست. با این فرض، محدودیت میثاق بسیاری از کشورها از جمله فرانسه را موظف می‌سازد که در قوانین خود نسبت به این موضوع بازنگری کنند. ولی، بدبختانه کارهای بسیاری هنوز در پیش است. تضمین‌هایی که اکوسوک (۱۹۸۲) اعلام کرده محدودیت‌های میثاق را به مادران در نخستین ماه‌های حیات فرزندشان و نیز افراد مبتلا به نقیصه‌های عقلی و اختلال‌های روانی شدید تسری می‌دهد.

دومین پروتکل اختیاری مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ناظر به الفای مجازات اعدام، که در ۱۱ ژوئیه ۱۹۹۱ لازم‌الاجرا گردید ادامه منطقی گرایش الفاکروی است که در ماده ۶ میثاق ظهور دارد. یعنی اندیشه‌ای که نهادهای سازمان ملل هرگز آن را رها نساخته‌اند. در واقع این نخستین سند بین‌المللی است که قصد آن لغو کامل مجازات اعدام در زمان صلح روی کره زمین است. تهیه و اجرای این سند را می‌توان یک پیروزی هرچند نسبی به دلیل شمار اندک کشورهای متعاقد و روند بسیار طولانی پذیرش آن به شمار آورد. پروتکل سند موجزی مشتمل بر یازده ماده است. نخستین ماده آن شامل دو حکم متفاوت است که اولین آن با ویژگی خود اجرا شونده، کشورهای متعاقد را ملتزم می‌سازد که دیگر به اجرای مجازات اعدام مبادرت نورزند.

در حالی که حکم دوم به سبک سازمان ملل متحد آنها را مکلف می‌کند که اقداماتی مطلوب برای لغو مجازات اعدام اتخاذ کنند. طرح

12. Economic and social council, report of the secretary general on capital punishment, UN. Doc. E/ 1980/ 9 of 8 february 1980, pp. 24-25.

مقدماتی پروتکل، حکم سومی نیز در برداشت که از میثاق امریکایی حقوق بشر اخذ شده بود (بند ۳ ماده ۴) با این شرط که مجازات اعدام در کشورهایی که آن را لغو کرده اند مجدداً برقرار نخواهد شد. لیکن این حکم در متن نهایی پروتکل به چشم نمی خورد.

چنانکه گفته شد، این سند لغو مجازات اعدام را فقط در زمان صلح پیش بینی کرده و بنابراین اجازه اجرای آن را برای «جرم با ویژگی نظامی و با اهمیتی بسیار که در زمان جنگ ارتکاب یافته» حفظ نموده است، با این قید که کشور ملحق شونده به پروتکل در زمان تصویب یا الحاق، آن را برای خود شرط کند. واضح است که در این سند اجرای مجازات اعدام در جرایم عادی منع شده است. به موجب ماده ۲، هیچ حق شرط دیگری غیر از آنچه ذکر شد نسبت به مفاد پروتکل پذیرفته نخواهد بود. این ممنوعیت بار دیگر با عنایت به ماده ۴ میثاق در ماده ۶ تکرار شده است. این ماده مقرر می دارد که حقی که در بند ۱ ماده ۱ پروتکل ضمانت شده، یعنی حق منع از اعدام، مشمول موارد تخلف مندرج در ماده ۴ میثاق نخواهد شد. باید از خود پرسید آیا چنین ممنوعیت مضاعف از داشتن حق شرط ضروری بوده است وقتی ماده ۶ پروتکل پیش بینی می کند که مقررات این ماده به عنوان مقررات الحاقی میثاق اجرا خواهد شد و بی شک الحاقی به ماده ۶ میثاق که امکان هرگونه تخلف از آن به موجب ماده ۴ میثاق منتفی است؟ این منع تخلف باید خود به خود بر مقررات الحاقی پروتکل نیز جاری باشد، لیکن چنانکه گفته اند «در باره موضوعی چنین ناخوشایند حشو بهتر از بدفهمی است».^{۱۳}

پروتکل شیوه ای برای نظارت همانند آنچه در میثاق پیش بینی شده برگزیده است. برای کشورهایی که صلاحیت کمیته حقوق بشر برای دریافت و رسیدگی اطلاعاتی های بین کشورها موضوع ماده ۴۱ میثاق و یا اطلاعاتی های افراد مذکور در نخستین پروتکل اختیاری مربوط به میثاق را پذیرفته اند تکلیف کوچکی باقی می ماند و آن شرح اقداماتی است در

13. Sapienza, R., International legal standards on capital punishment in Ramcharan (ed.), p. 290.

گزارش خود به کمیته و به موجب ماده ۴ میثاق و حسب درخواست کمیته، درباره تدابیری که برای لغو مجازات مجازات اعدام اتخاذ کرده اند. به عکس، برای کشورهایی که آن را شناخته اند، صلاحیت کمیته درباره اطلاعیه های بین کشورها و یا افراد در مورد کشورهای عضو دومین پروتکل صائب خواهد بود. مگر آنکه به هنگام تصویب یا الحاق نظر خلاف آن را اعلام کنند.

بسیار زود است که تأثیر و آتی این پروتکل را هم اکنون بسنجیم. کافی است توجه داشته باشیم که ابزار کلاسیک نظارت بر اجرای یک سند سازمان ملل متحد همیشه با بلندهمتی این سازمان در تلاش خود برای اهدافی احترام برانگیز مانند الغای مجازات اعدام تطابق ندارد، هرچند در نهایت «رسیدن به نتیجه ای درباره موضوعی که عمیقاً کشورها و انسانها را رو در رو با یکدیگر قرار می دهد کاری در حد موفقیت بزرگ است».^{۱۴}

۲. مجازات اعدام در نصوص باگسترده منطقه ای

مقاله نامه امریکایی حقوق بشر که در ۱۹۶۹ در سن خوزه به امضا رسید نیز اجرای محدود مجازات اعدام را به منظور حفظ حق حیات پیش بینی می کند. لیکن این مقاله نامه از بعض جهات از میثاق سازمان ملل متحد پیشی گرفته است. نخست، همان زبان الفاگروی میثاق را برگرفته است. بدین ترتیب که بند ۲ ماده ۴ مقرر می دارد: «در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده، حکم اعدام اجرا نمی شود مگر به عنوان مجازات مهمترین جنایات و به موجب حکم قطعی صادر از دادگاه صالح و در اجرای قانون لازم الاجرای پیش از ارتکاب جنایات که این مجازات را پیش بینی کرده است» این مقررات که به نظر می رسد همان شروط قانونی بودن میثاق را حاکم می گرداند با حکمی دیگر که نشانه پیش نگری و نگرانی از آینده است به این شرح تکمیل شده است: «مجازات اعدام درباره جنایاتی هم که اکنون مستحق اعدام نیست اجرا

14. Breillat, op. cit., p. 271.

نخواهد شد».

دیوان کشورهای امریکایی حقوق بشر در یک نظریه مشورتی قسمت نخست ماده ۲ را «در مقام محدود کردن شمول مجازات اعدام و اجرای آن در اوضاع و احوال استثنایی» تفسیر کرده و اظهار داشته است که «این مقررره فرایندی گام به گام و بازگشت ناپذیر با هدف حذف تدریجی مجازات اعدام ایجاد کرده است».

کمیسیون کشورهای امریکایی حقوق بشر نیز فرصتی یافت تا نسبت به مجازات اعدام در قضیه ای که اجرای مجازات صغار در امریکا پیش کشید موضع گیری کند. درخواست کنندگان جیمس تری روچ و جی پینکرتن^{۱۵} به اتهام جنایات مهمی که پیش از هیجده سالگی مرتکب شده بودند به اعدام محکوم شدند و علی رغم استدعای کمیسیون از مقامات امریکایی که تا زمان رسیدگی به درخواست آنان اجرای حکم را به تعویق بیندازند اعدام شدند.

ایالات متحده امریکا عضو مقابله نامه سن خوزه نیست. درخواست کنندگان براساس مقررات اعلامیه امریکایی حقوق و تکالیف بشر دلیل آوردند. این اعلامیه هرچند در آغاز به عنوان متنی غیرحقوقی تصور می شد، در تفسیر کمیسیون مرجعی که ایالات متحده را متعهد می ساخت شناخته شد. ایالات متحده منشور سازمان کشورهای امریکایی (OEA) را امضاء کرده است. مبنای دیگر، ادعای وجود یک قاعده عرفی بین المللی است که اعدام کسانی را که پیش از هیجده سالگی مرتکب جنایت شده اند منع می کند. درخواست کنندگان به این اتهام که ایالات متحده، مقررات اعلامیه درباره حق حیات، حمایت از صغار و منع مجازاتهای بی رحمانه، موهن و نامتعارف را نقض کرده است شکایت کردند. کمیسیون در تصمیم خود که معنی و برای بعضی دیگر فایده آن قابل بحث است عقیده دارد که ایالات متحده نمی بایست چنین قاعده عرفی بین المللی را نقض کند. زیرا آنان مخالفت خویش را در این باره چه

با عمل به اعدام صغار و چه با خودداری از امضای (از ژوئیه ۱۹۹۲ از تصویب) مقاله نامه آمریکایی حقوق بشر ابراز کرده اند. این مقاله نامه به صراحت اجرای مجازات اعدام را درباره اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از هیجده سال داشته اند منع می کند. در مقابل، کمیسیون نقض ماده I/ اعلامیه (حق حیات) و نیز ماده II (تساوی در برابر قانون) را تصدیق کرده است.

این تصدیق با توجه به مبنای احکام مجازات اعدام برحسب کردار مختلف این کشور- زیرا بعض ایالات الفلگرا و بعض دیگر عامل اند- در واقع به حکومت فدرال خرده گرفته است که حمایت از حقوق بشر را در سطح فدرال با آنکه اصلاحیه XIV قانون اساسی آمریکا او را موظف نموده است هماهنگ نکرده است، بویژه از دیدگاه حق حیات، عمل خودسرانه ای را در اجرای مجازات اعدام که تنها به وضع سرزمین، یعنی محل ارتکاب جنایت و نه اهمیت آن یا هر کیفیت دیگری مربوط به ماهیت جرم وابسته است، نادیده گرفته است.

با این همه، نوآوری واقعی این سند منع برقراری مجدد مجازات اعدام پس از لغو آن در کشور متعاهد و نیز منع اجرای آن در جرایم سیاسی یا جرایم عادی مرتبط با جرایم مذکور است. البته، مفهوم جرایم سیاسی و جرایم عادی مرتبط با آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در نتیجه، تفسیر آن بسیار اساسی است. درج این حکم در مقاله نامه به نظر دارای منشأ تاریخی است که بازتاب تعاون بسیار کهن در زمینه سیاست کیفری میان کشورها یک قاره (آمریکای جنوبی) با سنت قوی الفلگروی است. برای تفسیر این مفاهیم می توان به طرز عمل کشورهای آمریکای لاتین در زمینه استرداد استناد کرد. زیرا معاهدات این کشورها استرداد را در جرایم سیاسی استثناء کرده است.

مقاله نامه آمریکایی همانند میثاق سازمان ملل محدودیت هایی درباره محکوم علیه پیش بینی می کند. از جمله اعدام اشخاص کمتر از هیجده سال در زمان وقوع جنایت یا بیش از هفتاد سال یا زنان باردار را

منع می‌کند. همچنین، حق درخواست عفو، بخشودگی یا تخفیف مجازات را برای محکومان به مجازات اعدام می‌شناسد. لیکن می‌افزاید: «حکم اعدام تا زمان بررسی درخواست نزد مقام صالح اجرا نخواهد شد» این ممنوعیت در میثاق سازمان ملل نیست. هرچند می‌توان استدلال کرد که هیچ حقی وقتی ذی‌حق محروم از فرصت اعمال آن است معنی ندارد. مثل حق درخواست عفو یا حق تجدیدنظرخواهی پس اعدام.

فرآیند تدریجی لغو مجازات اعدام در کشورهای امریکایی که دیوان بین‌المللی امریکایی در نظریه مشورتی خود که به آن اشاره شد استناد می‌کند، به نظر می‌رسد که در سطح حقوقی با پذیرش دومین پروتکل الحاقی به مقاله نامه امریکایی مربوط به حقوق بشر در ژوئن ۱۹۹۰ تکمیل شد. این سند موجز که شامل فقط ۴ ماده و درباره لغو مجازات اعدام است در ۲۲ اوت ۱۹۹۲ پس از تصویب کاستاریکا و پاناما لازم‌الاجرا گردید.

ماده یک مؤکداً مقرر می‌دارد که کشورهای عضو پروتکل «مجازات اعدام را در سرزمین خود درباره هیچ فردی که تسلیم دادگاههای آنها است به اجرا نخواهند گذاشت» در حالی که ماده ۲ هیچ حق تحفظی را به استثنای یکی مشابه حق مندرج در پروتکل سازمان ملل جایز نمی‌شمارد. بویژه وقتی کشورهای طرف این پروتکل در زمان تصویب یا الحاق اعلام می‌کنند «که حق اجرای مجازات اعدام را در زمان جنگ بنا به تعریف حقوق بین‌الملل برای جرایم بسیار مهم با خصیصه نظامی برای خود محفوظ می‌دارند» کشور ذی‌نفع برطبق مقاله نامه مکلف است در زمان تصویب یا الحاق، مقررات خاص قانون ملی خود ناظر بر جنگ و نیز آغاز و پایان حالت جنگ را در سرزمین خود به دبیرکل سازمان کشورهای امریکایی اطلاع دهد.

به موجب ماده ۳ فقط کشورهای طرف مقاله نامه امریکایی حقوق بشر می‌توانند امضاء کننده یا کشور متعاقد پروتکل باشند. و سرانجام ماده ۴ مقرر می‌دارد که این پروتکل درباره کشورهای که آن را تصویب کرده یا به آن ملحق شده‌اند پس از تودیع اسناد آن نزد دبیرکل سازمان

کشورهای امریکایی لازم الاجرا می‌گردد. انعطاف‌پذیری مفاد آخرین ماده مزبور به لزوم اجرای پروتکل، وصول آسان و تدریجی کشورهای طرف مقاله نامه را به پروتکل که بیش از آن نیت بر شتاب آنان بود ممکن می‌سازد. دلیل آن این است که اهمیت واقعی این سند نسبتاً محدود است. چنانکه کشورهایی که طرف مقاله نامه هستند و تنها کشورهایی به شمار می‌روند که اهلیت پیوستن به پروتکل را دارند بیش از آن، به موجب ماده ۴ مقاله نامه با این شرط که اگر مجازات اعدام را لغو کرده‌اند دیگر نمی‌توانند مجدداً آن را برقرار کنند، نیز برای جنایاتی که در گذشته مستلزم مجازات اعدام نبوده آن را به اجرا درآورند متعهد شده‌اند. ارزش این سند بیشتر نمادی و نشانه تأیید پیشروی ادعای الفناگروی است که مقدمه پروتکل نیز در اندیشه آن است، یعنی حفظ حق غیرقابل انتقال حیات بشر، حتی که «به هیچ دلیلی نمی‌شود، آن را معوق گذاشت».

مقاله نامه حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی که به مقاله نامه اروپایی حقوق بشر نیز مشهور است در ۱۹۵۰ در چارچوب شورای اروپا، سازمانی منطقه‌ای که هم‌اکنون ۲۷ کشور عضو دارد به امضا رسید. این مقاله نامه که هدف آن تأمین تضمینهای جمعی و مؤثر از طریق یک سیستم نظارت دقیق و پیشرفته برای شمار محدودی حقوق مدنی و سیاسی است، در حلقه نخست حق حیات را در ماده ۲ شناخته است و اعمال شکنجه و مجازاتها یا رفتارهای غیرانسانی یا موهن را در ماده ۳ منع می‌کند. حق حیات که حفظ آن را مقاله نامه تضمین کرده است در نظام اروپایی نیز مطلق نیست. زیرا تابع قیودی است، هرچند که در زمان جنگ یا خطر عمومی که حیات یک ملت را تهدید می‌کند ممکن نیست در اجرای ماده ۱۵ مقاله نامه از آن تخطی کرد. لیکن قیود دیگری محتمل است که در خود ماده ۲ (قیود «قانونی») و بند ۲ ماده ۱۵ (قید بالفعل: مرگ ناشی از اعمال مشروع جنگ) مندرج است. در بین قیود قانونی، مقاله نامه صراحتاً حق کشورها را در اجرای حکم اعدام صادر از دادگاه در موردی که جرم قانوناً مستحق چنین کیفری است محفوظ داشته است. غیر از حکم

قانونی اعدام و فروض سه گانه ای که در بند ۲ ماده ۲ پیش بینی شده است یعنی مرگ ناشی از توسل قانونی به زور، مرگ عمدی هر انسانی معایر با مفاد مقاوله نامه است. بر همین اساس، قتل غیرنظامیان به دست سربازان ترک در قبرس و در آن اوضاع و احوال خاص نقض ماده ۲ شناخته شد.^{۱۶}

برای آنکه حکم مجازات اعدام منطبق با مقاوله نامه باشد دو شرط باید جمع باشد: ۱) حکم از دادگاه در معنایی که رویه دیوان راجع به ماده ۵ تصریح کرده صادر شده باشد؛ ۲) جرم مستحق مجازات مصرح در قانون باشد. شرط دوم که تذکر اجمالی همان اصل قانون بودن جرایم و مجازاتها است باید در پرتو سایر مقررات مقاوله نامه بویژه تضمینهای معروض در مواد ۵، ۶، ۷ تفسیر شود. تفسیری که به نتیجه گیری مشابه آنچه کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد رسیده مشروعیت می بخشد. یعنی اگر تضمینهای دادرسی منصفانه در جریان رسیدگی قضایی که ممکن است به صدور حکم اعدام بینجامد، نادیده گرفته شود، ماده ۲ نقض خواهد شد و به تعبیر میثاق سازمان ملل متحد مجازات اعدام «خودسرانه» به اجرا درآمده است.

نتیجه گیری مشابه آنچه در بعد سازمان ملل متحد به آن رسیدیم، درباره تخلف از این تضمینها به دست می آید. اگر هیچ تخلفی از ماده ۲ به موجب ماده ۱۵ (جنگ یا خطر عمومی...) جایز نیست، تضمینهای مواد ۵، ۶، ۷ که ضمناً در ماده ۲ مستتر است باید از همان امتناع از تخلف مربوط که در میثاق سازمان ملل آمده برخوردار گردد.

مقاوله نامه به روایت اصلی آن به هیچ وجه الغاگرا نیست و با توجه به استثنائات متعدد وارد بر حفظ حق حیات، می توان گفت که این مقاوله نامه فقط «حق محروم نشدن از حیات جز در موارد مندرج در ماده ۲» را می شناسد.^{۱۷}

16. Rapport de la Commission européenne des droits de l'homme, 10 juillet 1976. par. 325-355, pp. 118-119.

17. Voir dans ce sens, Sapienza, op. cit., p. 291.

گفته اند که مجازات اعدام ممکن است حق سزاوار نبودن شکنجه و مجازاتها یا رفتارهای غیرانسانی یا موهن را نیز خدشه دار کند، هرچند که معمولاً مسأله سازگاری آن با حقوق بشر از زاویه حق حیات در مراجع بین المللی مطرح است. پیشتر برخی سازمانها و نویسندگان این فکر را پیش کشیده اند که مجازات اعدام را فقط و فقط نقض ممنوعیت اجرای مجازاتهای غیرانسانی توصیف کنند.^{۱۸} لیکن متأسفانه این استنباطی نیست که دیوان اروپایی حقوق بشر در نتیجه گیری خود مربوط به رأی سورین به آن رسیده باشد. این رأی باید به این سؤال پاسخ دهد که آیا استرداد آقای سورین (متهم به قتل در ایالات متحده آمریکا) بنابه تصمیم یک کشور (بریتانیای کبیر) طرف مقابله نامه و نه طرف پروتکل شماره ۶ که مجازات اعدام را لغو کرده است، به یک کشور ثالث (ایالات متحده) ممکن است به موجب ماده ۳ مقابله نامه برای بدرفتاریهایی که شخص مسترد در کشور مقصد متحمل می شود موجب مسئولیت کشور طرف مقابله نامه گردد؟ دیوان نخست تصریح کرده است که مقابله نامه نه شامل استرداد (که در زمان رسیدگی در دیوان هنوز اجرا نشده بود) و نه اعمال یک کشور ثالث (ایالات متحده) می شود. برای توجیه شمول اجرای مقابله نامه به تصمیم استردادی که هنوز اجرا نشده و آثار بالقوه غیرانسانی آن از جمله انتظار بسیار طولانی اجرای احتمالی مجازات در سرسرای محکومان به اعدام در ویرجینیا، محل ارتکاب جنایت، دیوان می بایست به تفسیرهای متعدد بی باکانه ای متوسل می شد. دیوان بر این باور است (بند ۸۵ رأی) که «مقابله نامه فی نفسه حقی برای مسترد نشدن وضع نکرده است. با این همه، وقتی تصمیمی مبنی بر استرداد، آثاری در بردارد که به اجرای یکی از حقوق تضمین شده در مقابله نامه صدمه می زند، می تواند اگر تأثیر چندان بعید نباشد، تکالیفی برای دولت متعاهد به موجب مقررات مربوط ایجاد کند». با وصول از طریق این شیوه تفسیر غایت گرایانه راه کار مقابله نامه، راه کاری که نظریه حقوقی آن

18. Guillaume G. (1), La convention européenne des droits de l'homme. art. 2, étude non- publiée, 1991, Strasbourg, p. 21.

را «حمایت غیرمستقیم»^{۱۹} نامیده است و با تأیید قابلیت اجرای مقابله نامه بر وضع مورد، دیوان این بار به استناد تعرض ناپذیری مطلق ماده ۳ مقابله نامه اظهار می‌دارد (بند ۹۱ رأی) که تصمیم استرداد دولت متعاقد وقتی در نتیجه مستقیم این عمل کسی در معرض رفتارهای منع شده مندرج در ماده ۳ قرار گیرد مبنای مسؤلیت او خواهد بود.

گسترش نظارت «هرچند از نظر اصل نسبی بودن معاهدات قابل بحث است، لیکن در موارد اخراج یا استرداد اجتناب ناپذیر است»^{۲۰} خصوصاً به این دلیل که هم‌وغم دیوان تأمین حمایت مؤثر از حقوق تضمین شده مندرج در مقابله نامه است و نیز به این دلیل که اگر این حمایت تابع اجرای تدابیر استرداد و اخراج می‌بود هیچ اثر عملی در بر نمی‌داشت. دیوان در این جا (بند ۸۸ رأی) از ماده ۳ «تکلیف ضمنی عدم استرداد» را در اوضاع خاص نتیجه می‌گیرد و مفهوم پیشاپیش نقض «بالقوه» را ابداع می‌کند.

برای آنکه رفتار غیرانسانی به لحاظ ماده ۳ مسأله ای ایجاد کند، دیوان وجود دلایلی جدی را بر این تصور که فرد در معرض خطر واقعی رفتار غیرانسانی است طلب می‌کند (بند ۹۱ رأی). این رفتار ممنوعه مجازات اعدام نیست (در بند ۱۰۲ رأی آمده است: «مجازات اعدام به لحاظ مواد ۳ و ۲ فی نفسه مسأله ای ایجاد نمی‌کند) زیرا بند ۱ ماده ۲ به صراحت کلام مجازات اعدام را اجازه داده است. در نتیجه، ماده ۳ با آنکه مضمون آن از حمایتی استوارتر از ماده ۲ برخوردار است با منع مجازات اعدام با ماده ۲ تعارض پیدا می‌کند. اگر فراموش می‌کردیم که دیوان تنبیه‌های بدنی را مجازات‌های غیرانسانی و موهن تعبیر کرده است می‌توانستیم این برهان مبتنی بر منطق صوری را بپذیریم، مضافاً بر آنکه به نظر دیوان، لغو مجازات اعدام پس از توافق کشورهای عضو شورای اروپا به استناد پروتکل شماره ۶، بر مبنای قاعده عرفی دیگر جایز نیست (نظریه قاضی

19. Sudre, op. cit., p. 108.

20. Sudre, op. cit., p. 109.

دومیر^۲ مطابق با این رأی که عقیده دارد در اروپای غربی قاعده‌ای عرفی که مجازات اعدام را منع می‌کند در سطح منطقه‌ای شکل گرفته است). چنانکه به درستی متذکر شده‌اند،^۳ این ادعا که تنبیه‌های بدنی و نه مجازات اعدام کیفرهای برخلاف شئون انسانی و موهن است دست کم عجیب می‌نماید. اگر انگلستان طرف تعهد پروتکل شماره ۶ می‌بود شاید نتیجه غیر از این بود. لیکن در این مورد دیوان می‌بایست «تفسیر تحول‌پذیر ماده ۳ را تا اخذ نتیجه منطقی آن که شناسایی مجازات اعدام برخلاف نظم عمومی اروپایی در روزگار ما است پیش می‌برد».^۳ با این حال، دیوان با اعلام مطابقت مجازات اعدام با مفاد مقاله‌نامه و با تفکیک مجازات از وضعیت اجرای آن بر این عقیده است که وضعیت اجرای این مجازات از جمله انتظار توأم با اضطراب داریم در «سرسرای مرگ» ممکن است نقض ماده ۳ به شمار می‌رود (بند ۱۱ رأی). زیرا این اضطراب به میزانی شدید است که نمی‌توان نقض این ماده را نفی کرد.

گرایش اروپایی‌الناگروی که قاضی دومیر در رأی سورین به آن استناد کرد در پروتکل شماره ۶ مقاله‌نامه حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی راجع به لغو مجازات اعدام تبلور یافت.

این سند که به تاریخ ۱۹۸۳ است و اکثر دولتهای عضو شورای اروپا به آن تعهد سپرده‌اند فرجام ابتکارهای گوناگونی برای لغو مجازات اعدام در اروپا است. از یک سو، مجمع پارلمانی شورای اروپا در توصیه‌نامه ۸۹۱ (۱۹۸۰) خود به کمیته وزیران پیشنهاد کرده بود برای اصلاح ماده ۲ مقاله‌نامه «به منظور لغو مجازات اعدام نسبت به جنایات در زمان صلح» اقدام کند و از سوی دیگر، دوازدهمین کنفرانس وزیران دادگستری در ۱۹۸۰ به ابتکار شخصی وزیر دادگستری اتریش کریستیان

21. De Mayer

22. Rodley, N., Death Penalty, in Recueil des cours, 1991, p. 166 et Sudre, op. cit., p. 115.

23. Sudre, op. cit., p. 115.

برودا^{۳۳} و دولت او بررسی امکان وضع قواعد جدید اروپایی متناسب با مسأله مجازات اعدام را توصیه می‌کند. چون «ماده ۲ مقاوله نامه اروپایی حقوق بشر به طور دقیق وضع مجازات اعدام را در اروپا منعکس نمی‌کند».

در ماده ۱ پروتکل شماره ۶ آمده است: «مجازات اعدام ملغی است. هیچ کس را نمی‌توان به این مجازات محکوم و او را اعدام کرد» با مقایسه این ماده با حکم مربوط به لغو مجازات اعدام در پروتکل شماره ۲ میثاق سازمان ملل متحد می‌توان مشاهده کرد که این «جمله بندی ملهم از نظریه ای وحدت گرا بسیار نو است. در واقع، کشورها را به لغو مجازات اعدام تکلیف نمی‌کند، بلکه خود با انشایی که در وحله نخست به نظر می‌آید مناسب قانون داخلی باشد تا یک مقاوله نامه بین المللی به نسخ آن می‌پردازد.»^{۳۴} غیر از تکلیف کشورهای متعاقد به لغو مجازات اعدام، ماده ۱ برای افراد نیز حق شخصی «اعدام نشدن» را که احتمالاً به آنها اجازه می‌دهد در مراجع ملی و دیوان استراسبورگ آن را احقاق کنند شناخته است.

با این همه، برطبق ماده ۲ «هر کشور می‌تواند مجازات اعدام را در قوانین خود برای افعال ارتكابی در زمان جنگ یا خطر قریب الوقوع جنگ پیش بینی کند». این استثناء با دو شرط توأم است: نخست، اجرای مجازات اعدام باید در موارد پیش بینی شده در قانون ملی و به موجب آن باشد. دوم، دبیرکل شورای اروپا از آن مطلع گردد.

ماده ۳ مقرر می‌دارد: «هیچ تخلفی از مقررات این پروتکل به استناد ماده ۱۵ مقاوله نامه جایز نیست» نتیجه این است که اگر محکومیت به مجازات اعدام و اجرای آن در زمان جنگ یا خطر قریب الوقوع جنگ ممکن باشد در مواردی که خطر دیگری حیات ملت را تهدید می‌کند ممکن

24. Christian Broda

25. Guillaume, G., Protocole n° 6 à la convention de sauvegarde des droits fondamentaux et des libertés fondamentales concernant l'abolition de la peine de mort. étude non-publiée, Strasbourg, 1991, p. 3.

نیست.

سرانجام، مشاهده می شود که پروتکل شماره ۶ پروتکلی الحاقی به
مقاوله نامه است. در نتیجه، این پروتکل هیچ گاه ماده ۲ مقاوله را نسخ
نمی کند، بلکه مقررات آن به مقاوله نامه برای کشورهای طرف پروتکل
افزوده می شود. اما راجع به جمله دوم بند ۱ ماده ۲ مربوط به مجازات
اعدام، این حکم برای نه کشور غیر متعاهد قابل اجرا است، ولی نه برای
کشورهای متعاهد.^{۲۶}

۲۶. نه کشوری که تا تاریخ ۱۸ اوت ۱۹۹۲ هنوز پروتکل را به تصویب نرسانده اند عبارتند از: بلژیک، بلغارستان، قبرس، یونان، مجارستان، ایرلند، لهستان، ترکیه، انگلستان.